

The Impact of Cyberspace on the Development Approach in Iran Based on International Interdependence

Abstract

The expansion of the communication system in the world will lead to a kind of increasing cohesion between groups and interdependence in the international system. The development of this space, especially in the virtual dimension, has caused new attitudes and concepts in the human and social field, especially internationally. Shift from the concepts of hard power to the softening and complexity of social and international communication is one of the issues that has emerged in the new realm of communication and cyberspace as a platform for social and international action. Interdependence between social and international groups can create a new form of structure that requires the role of foreign policy and the new approach of governments. Therefore, examining the impact of cyberspace on this domestic and international interdependence along with the domestic policy approach is of great importance. The purpose of this study is to investigate the role of cyberspace from the perspective of interdependence and Iranian policies. The main question is what effect the expansion of cyberspace has on Iran's domestic policy approach. The research hypothesis suggests that cyberspace reduces government influence and radical government actions to prevent the effects of social's outrage beyond government control. Using descriptive-analytical method and using valid texts, this study concludes that the communication action caused by cyberspace causes the formation of interdependence resulting from the change in the context of power and can lead to political development in the field of participation. And create a government at least in Iran.

Keywords: Iran, political development, cyberspace, soft power, interdependence

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.247476.1263>

تأثیر فضای مجازی بر رویکرد توسعه در ایران بر اساس وابستگی متقابل بین‌المللی

حسین عبداللهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

علی محسنی مشتقین^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

حسن الهی منش^۳

چکیده

گسترش سیستم ارتباطی در جهان باعث نوعی پیوستگی فزاینده میان گروه‌ها و وابستگی متقابل در نظام بین‌الملل گردد. توسعه این فضا بخصوص در ابعاد مجازی نگرش‌ها و مفاهیم جدیدی را در حوزه انسانی و اجتماعی بخصوص بین‌المللی را باعث شده است. شیفت از مفاهیم قدرت سخت به نرم و پیچیده شدن ارتباطات اجتماعی و بین‌المللی از جمله مسائلی است که در پهنه جدید ارتباطات و فضای مجازی بعنوان بستر کنش اجتماعی و بین‌المللی شکل گرفته است. وابستگی متقابل میان گروه‌های اجتماعی و بین‌المللی می‌تواند شکل جدیدی از ساختارها را به وجود بیاورد که خود نقش سیاست‌های خارجی و رویکرد نوین دولت‌ها را می‌طلبد. از این رو، بررسی تأثیر فضای مجازی بر این وابستگی متقابل داخلی و بین‌المللی در کنار رویکرد سیاست داخلی از اهمیت بسزایی برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش فضای مجازی از چشم‌انداز وابستگی متقابل و سیاست‌های ایران است. سوال اصلی این است که گسترش فضای مجازی چه تأثیری بر رویکرد سیاست داخلی ایران دارد. فرضیه پژوهش حاکی از این است که فضای مجازی باعث کاهش نفوذ دولت و اقدامات رادیکال دولت جهت جلوگیری از آثار سو و آگاهی اجتماعی خارج از کنترل دولت می‌شود. این پژوهش با استفاده از روش تفسیری-کیفی و بهره‌گیری از متون معتبر بر این نتیجه است که کنش ارتباطی ناشی از فضای مجازی باعث شکل‌گیری وابستگی متقابل ناشی از تحول در بافت قدرت شده و می‌تواند زمینه‌های توسعه سیاسی را در حوزه‌ای مشارکت و ایجاد دولت حداقل در ایران باعث گردد. لازم به ذکر است که روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، توسعه سیاسی، فضای مجازی، قدرت نرم، وابستگی متقابل.

^۱ - دانشجویی دکتری علوم سیاسی - مسائل ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

^۲ - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. (نویسنده مسئول) (Ali.m@yahoo.com)

^۳ - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

کنش های انسانی در مجموع ریشه های هستند که ساختارهای اجتماعی را در بستری از روابط زبانی و سپس گفتمانی شکل می دهند، به گونه ای که این ساختارها محصول خواست و تداوم زندگی انسانی در بستر تاریخ و شکل دادن به نظام نشانه ها است، نشانه های که فهم و آگاهی را در جامعه به ارمغان آورده و تعاملات رفتارها به مبنای آن پایه ریزی می شوند. روشن است که نوع شکل گیری این ارتباطات نه تنها عرصه اجتماع را بلکه در نهایت خودآگاهی و فهم مشترک در جامعه را باعث می گردد. از این رو، هر جامعه ای بر مدار ساختار ارتباطی خود می تواند با فرآیندهای چون توسعه، دولت و کنش های سیاسی ارتباط برقرار کند.

پیدایش اینترنت در جهان موجب بروز نسل جدیدی از وسایل ارتباط جمعی در جهان شد که موسوم به عصر ارتباطات الکترونیک و پیدایش مفهوم "جهانی شدن"^۱ با "دهکده جهانی"^۲ بود. گسترش سریع وسایل نوین ارتباط جمعی و افزایش کاربرد آن در سطح ملی و جهان همراه با تحولات بنیادین و ایجاد وابستگی متقابل بوده است. قدرت ارتباطات، مناسبات قدرت را تحت شعاع قرار داده و ارزش های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را دچار دگرگونی شگرفی کرده است و قدرت نرم را جایگزین قدرت سخت کرده است. امروزه در عصری زندگی می کنیم که دگرگونی های عظیمی در دنیا به وقوع پیوسته و یا در حال وقوع است. فناوری های فرا نوین ارتباطی در دنیای امروز باعث بروز تحولات پیچیده ای در روابط و مناسبات سیاسی شده است. از این جهت، اینترنت نیز بعنوان یکی از نمودهای بارز فناوری های ارتباطی تاثیر بسیار مهمی بر ساختارهای سیاسی جامعه امروزی بخصوص ایران داشته است. از طرفی دیگر، اینترنت و گسترش آن، فضای از کنش ها و مبادلات اجتماعی را بوجود آورده است که نحن عنوان "فضای مجازی"^۳ این عرصه که در آن بدون تبادل فیزیکی ارتباط از گستره گذاره ها مبادله می گردد، باعث شکل گیری نوع خاص از جامعه با عنوان جوامع مجازی می شود. به گونه ای که این جوامع در خود دارای نظام نشانه ها، مفاهیم و الگوی هستند که متفاوت از جامعه انضمامی عمل می کند. هر چند این فضا به صورت مجازی تعریف می گردد، اما دارای کارکرد واقعی در عرصه جامعه است و نوع خاصی از مناسبات قدرت و روابط میان دولت و جامعه را باعث می گردد این روابط نه تنها در سطح جامعه بلکه در سطح بین المللی نیز قابل مشاهده است. این الگو نه تنها در قالب جوامع مکانیکی و ارگانیک قابل ارزیابی و تبدیل نیست بلکه کالبد اجتماعی خاص در برابر مفاهیم دولت، جغرافیایی سیاسی، مرز و انسان قرار دارد.

1 - Globalization
2 - Global Village
3 - Virtual Space

از این رو، مجموعه تحولاتی در جامعه رخ می دهد که باعث تغییر در سیاست های دولت و رویکرد تعامل آن با جوامع رخ می دهد که باعث تغییر در سیاست های دولت و رویکرد تعامل آن با جوامع مجازی می گردد. چرا که الگوی دولت ملی نهفته در بطن جامعه مدرن و تشکیل شده از مجموعه افراد، ذیل جغرافیایی خاص هستند و به هنگام بهم ریختن این ترکیب روشن است، رویکرد دولت و سیاست گذاری عمومی نسبت به جامعه تغییر خواهد یافت. ایران بعنوان یکی از کشورهای که در آن به شدت فضای مجازی در حال گسترش است و امروزه تقریب به ۹۰ درصد قدرت نفوذ دارد، باعث شده تا تحولاتی در عرصه اجتماعی رخ دهد که منجر به تغییر رویکرد دولت نسبت به جامعه می گردد این رویکرد در نوعی از وابستگی متقابل بین المللی و جامعه ای صورت پذیرفته است که هم ساختارهای اجتماعی و هم سیاست بین الملل را تحت شعاع قرار می دهد.

ضرورت و علت انتخاب موضوع

به هر حال چه گسترش فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در جهان معاصر را ادامه تغییر و تحولاتی بدانیم که از پیدایش سرمایه داری اولیه شروع شده باشد و چه آن را طلیعه دوران جدیدی در جهان در نظر بگیریم، در هر دو حالت باید تصدیق کرد که انفجار اطلاعاتی و ارتباطی، تاثیر مهمی بر جنبه های مهم زندگی امروزی گذاشته است. امانوئل کاستلز در این خصوص بیان کرده است که انقلاب فناوران های که حول فناوری های اطلاعات متمرکز است، چشم انداز اجتماعی زندگی انسان را دگرگون ساخته و با سرعتی شتابان در کار شکل دهی مجدد بنیان مادی جامعه است. جان فیدر نیز از انقلابی یاد کرده است که در زمینه اطلاعات و ارتباطات در جهان روی داده و زندگی همه انسان های روی کره زمین را تحت تاثیر قرار داده است. انقلابی که مبتنی بر رایانه و دارای آثار گسترده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. یعنی از سویی، اطلاعات را به کالایی تجاری و سودآور بدل کرده که تملک آن باعث قدرت می شود و از سوی دیگر، اثرات ماندگاری بر شخصیت و هویت انسانها برجای میگذارد. از طرفی دیگر نوعی، تحول در جامعه بر اساس عبور از خواست های دولتی را می توان در جامعه به وجود آورد که در این خصوص سیاست های دولتی به منظور ساماندهی و ایجاد مسیرهای صحیح و در راستایی تقویت انسجام ملی رویکردها و سیاست های مجازی را می تواند به کار گیرد. از این جهت بررسی، سیاست های دولتی به منظور بررسی نقش فضای مجازی در جامعه ایران بخصوص عملکرد سیاست داخلی از اهمیت برخوردار است و به این دلیل موضوع مذکور پیشنهاد می گردد.

از این جهت بررسی رویکرد دولت ایران در قبال جامعه با گسترش فضای مجازی از اهمیت بسزایی برخوردار است که این پژوهش به دنبال بررسی آن است. سوال اصلی پژوهش این است که گسترش فضای مجازی چه تاثیری بر رویکرد سیاست داخلی ایران دارد؟ فرضیه پژوهش حاکی از این است که فضای مجازی باعث کاهش نفوذ دولت و

اقدامات رادیکال دولت جهت جلو گیری از آثار سو و آکاهی اجتماعی خارج از کنترل دولت می شود و پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و بهره گیری از متون معتبر به دنبال پاسخگویی به سوال است. در ادامه ابتدا چارچوب نظری مورد توجه قرار می گیرد سپس ضمن پرداختن به محورهای توسعه مجازی تحولات اجتماعی و در نهایت رویکرد سیاست گذاری دولتی ایران نسبت به آن مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱- چارچوب نظری

قدرت از منظر نای

به منظور پردازش مفهوم قدرت نرم، به نظر نای^۱ تحولات نوین متأثر از جهانی شدن و فناوری های جدید باعث تحول سرشت قدرت و نحوه اعمال آن شده است. از این رو چه بسا بازیگرانی که در برهه های قبلی با دارا بودن منابعی از قدرت به ویژه منابع ملموس و مادی توان تأثیر گذاری در رفتار دیگران را داشتند، در ساختار جدید توان مندی خود را از دست داده باشند. در فضای کنونی دست کم یک بازی قدرت سه سطحی در جریان است.

در سطح اول، قدرت سخت و نظامی حائز اهمیت است مانند کشورهای قدرتمند در عرصه نظامی. در سطح دوم، شق اقتصادی قدرت برجسته شده است و در کنار امریکا، اروپا، ژاپن و چین نیز در مدیریت مسائل اقتصادی جهان حضور دارند و بازی ای چند بعدی در جریان است. سطح سوم دامنه قدرت به بازیگران غیر دولتی مثل تروریست ها و باندهای مافیایی تسری یافته و مسائل پیچیده ای مثل بیماری ها و تغییرات آب و هوایی پدیدار شده است که مواجهه با آن ها خارج از توان تک تک دولت هاست. اهمیت یافتن قدرت نرم از نظر نای در این چهارچوب قابل فهم است، به عبارتی قدرت نرم مجموعه ای از تاثیرگذاری های خارج از توانمندی قدرت سخت است که امروزه در ابعاد گوناگون بخصوص حوزه آگاهی در جریان است (Nye, 2004: 2-5).

اگرچه انقلاب در فناوری اطلاعات به پیشرفت هایی در امور نظامی منجر شده و از این حیث ایالات متحده را به بزرگ ترین قدرت نظامی تبدیل کرده است، اما هم زمان این انقلاب به دلیل بسط ناسیونالیسم، بالابردن آگاهی مردم و ارتقای دموکراسی، کاربرد قدرت نظامی و اعمال امپراتوریایی قدرت بر دیگران را هزینه بر و دشوار کرده است. البته نای این را به معنای از بین رفتن اهمیت قدرت نظامی تلقی نمی کند و معتقد است که در نتیجه فناوری های جدید ما با پدیده نوینی به نام خصوصی سازی جنگ ها یعنی قرارگرفتن سلاح های مخرب در دست افراد، گروه های تروریستی و بازیگران غیر دولتی مواجهیم و طبیعتاً برخورد با آن ها مستلزم دارا بودن قدرت نظامی است، اما نکته این جاست که مواجهه با این تهدیدات جدید در گرو همکاری با دیگران و اقتناع مردم است. نای این را قدرت

1 - Nye

نرم می‌نامد؛ یعنی توانایی جذابیت و جذب کردن یا توانایی کسب آن چه شما می‌خواهید از طریق جاذبه و نه اجبار یا قدرت سخت بدست آورید. به عبارت بهتر، ایجاد فهم جدید و شناخت متناسب با نیاز است که قدرت نرم را بوجود می‌آورد. از این رو، منابع قدرت نرم نیز دارایی‌هایی است که این جذابیت‌ها را تولید می‌کند. نای قدرت سخت و نرم را از هم جدا نمی‌داند و معتقد است که هر دو جنبه‌هایی از توانایی دست‌یابی به هدف به وسیله تأثیرگذاری در رفتار دیگران را دربر می‌گیرند. ترکیب متوازن این دو قدرت «هوشمند» را تشکیل می‌دهد.

رهبری توان ایجاد و به کارگیری چنین ترکیبی از طریق اجماع و کار گروهی است. تفاوت این دو از نظر نای در ماهیت رفتار و ملموس بودن منابع است. در یک سر طیف قدرت فرمان‌دهی^۱ و اجبار^۲ قرار دارد و در سر دیگر طیف قدرت متقاعدکردن و جذابیت^۳. اولی را قدرت سخت و دومی را قدرت نرم می‌گویند و البته بین این دو، نمودهای دیگری از قدرت وجود دارند که به یکی از آنها نزدیک است (همان، ۱۰-۱۵).

در مجموع نای در مقام متفکری لیبرال معتقد است که، با شکل‌گیری وابستگی متقابل و جهانی شدن، دگرگونی‌های قابل توجهی در سیاست جهانی پدیدار شده است که طی آن محوریت دولت تحت الشعاع حضور و ظهور بازیگران دیگری قرار گرفته است که در حوزه‌های موضوعی گوناگون قدرت دارند. همچنین تحولات تکنولوژیک و فناوری اطلاعات پیوندهایی را بین موضوعات، مسائل و منافع بازیگران به وجود آورده است که نتیجه آن حاکم شدن الگوهای نوینی از قدرت و رفتار در صحنه بین‌الملل یعنی اهمیت یافتن قدرت نرم و رفتار همکاری جویانه یا چندجانبه‌گرایی^۴ برای مواجه شدن با تهدیدات نوظهور است.

یکی از مهم‌ترین منابع تأثیرگذار در حوزه قدرت نرم از نظر نای، فرهنگ، اعم از نوع عالی یا عامه آن است. این مهم توانایی‌های کشورهای حوزه فیلم، موسیقی، انتشارات علمی آموزشی، مطبوعات و نیز خصلت‌هایی چون آزادمنشی، تساهل، تحرک و تنوع در فرهنگ عامه را دربر می‌گیرد. به نظر نای بخشی از موفقیت ایالات متحده در جنگ سرد در کنار موازنه نظامی و طرح کمک اقتصادی مارشال، پذیرش فرهنگ عامه آمریکا در اروپای شرقی و شوروی بود. نای می‌گوید برتری در میان رده بندی‌های شاخص فرهنگ فقط برای ایجاد توانگری و ثروت نیست، بلکه به سبب شهرت و جذابیتی است که این توان‌گری ایجاد می‌کند (دانش‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۴).

دومین منبع قدرت نرم ارزش‌های سیاسی داخلی از جمله دموکراسی و حقوق بشر است. از نظر نای ایالات متحده به لحاظ اتخاذ بسیاری سیاست‌های داخلی در زمینه بهداشت، تحصیلات، مهاجرپذیری و غیره در وضعیت قابل

1 - Command Power

2 - Coercion

3 - Persuasion

4 - Multilateralism

قبولی قرار دارد. اگرچه اتخاذ استانداردهای دوگانه، نحوه مواجهه با تروریسم، فقدان کنترل اسلحه و سخت‌گیری در خصوص مهاجران به قدرت نرم امریکا در سال‌های اخیر آسیب رسانده است. نای یکی دیگر از منابع قدرت نرم را ارزش‌ها، مفاهیم و روش‌های به کار گرفته شده در سیاست خارجی می‌داند. وی می‌گوید، همه کشورها در سیاست خارجی به دنبال منافع ملی خودند، اما تعقیب منافع ملی به روش یک‌جانبه یا چندجانبه در جذابیت و قدرت نرم هر کشور تأثیر می‌گذارد. از نظر نای مسائل کلان متعددی مثل محیط زیست، نظم، منع تکثیر سلاح هسته‌ای و مبارزه با تروریسم وجود دارند. این‌که این کشور تا چه اندازه در سیاست خارجی بتواند با ایجاد اجماع و در چهارچوب همکاری با دیگران در این زمینه‌ها فعال باشد، یا چه پیامی را امریکا برای چه کسانی و در چه شرایطی ارسال کند و دریافت‌کننده چه تفسیری از پیام‌ها به عمل آورد، بر قدرت نرم و توانایی کشورها در دستیابی به اهدافش تأثیر می‌گذارد (همان، ۷۵).

نای شیوه به کارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی را بدین صورت تشریح می‌کند که در اثرگذاری آن پذیرش و اقناع طرف مقابل نیز مؤثر است و به کارگیری آن در مواجهه با تهدیدات فرایند مشکل‌تری است. مضافاً این‌که قدرت نرم غالباً به صورت غیر مستقیم و با شکل دادن به محیط پذیرش سیاست‌ها عمل می‌کند و این می‌تواند سال‌ها طول بکشد.

نویسنده دیپلماسی عمومی را برقراری روابط بلندمدت به منظور فراهم کردن محیطی سازنده برای سیاست‌های حکومت می‌داند و آن را متفاوت از تبلیغات یا روابط عمومی بر می‌شمرد. در تبلیغات مسئله باورپذیری و اعتبار کمتر وجود دارد و روابط عمومی نیز، به مثابه انتقال اطلاعات و ایجاد تصویر مثبت، فقط بخشی از دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود. از نظر نای در عصر اطلاعات کشورهایی از قدرت نرم برخوردارند که از کانال‌های ارتباطی گوناگون برای شکل دادن به مسائل استفاده کنند و نیز با دارا بودن فرهنگ، سیاست‌ها و ارزش‌های ملی مقبول، و عملکرد در چهارچوب هنجارهای بین‌المللی یعنی پلورالیسم و لیبرالیسم صاحب اعتبار و پرستیژند.

وابستگی متقابل بر اساس قدرت نرم و تکنولوژی

نقطه آغازین بحث‌های علمی مربوط به وابستگی متقابل به دوره پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد که تکنولوژی به طور همزمان در میان دولت‌ها یک نوع رابطه متقابل ایجاد کرد و به نظر دنیا کوچک شد و بدین ترتیب عوامل تکنولوژیکی، نظامی و اقتصادی حتی در میان دشمنان دیروزی نوعی وابستگی متقابل و روابط متداخل بوجود آورد (Rosecrance, 1973: 2). در این دوره، پس از فروکش کردن دسته‌بندی‌های ناشی از جنگ سرد، مسائل جدیدی خصوصاً مسائل اقتصادی، رنگ سیاسی به خود گرفتند.

از جمله مسائل مورد بحث در مورد نظریه وابستگی متقابل عدم توافق در ارائه تعریفی واحد و مورد قبول همگان است؛ و تا امروز حداقل دو تعریف از مفهوم وابستگی متقابل ارائه شده است. در کلی ترین تعریف، وابستگی متقابل حاکی از چنان اشتراک منافع است که اگر جایگاه یک ملت تغییر یابد، این تغییر جایگاه دیگر ملت ها را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. کوهن و نای نیز بیشتر در همین مفهوم تعریف خود را چنین ارائه کردند؛ و وابستگی متقابل اصطلاح گسترده ای است و اشاره به موقعیتی دارد که مشخصه اصلی این موقعیت تاثیر متقابل کشورها یا بازیگران کشورهای مختلف است (Keohane, 1987: 4).

در تعریف دوم که بیشتر از اقتصاد نشات می گیرد، وابستگی متقابل زمانی به وجود می آید که نوعی «حساسیت» ملی فزاینده در قبال پیشرفت های اقتصاد بیرونی به وجود آید. احتمالاً این، «حساسیت» می تواند آگاهانه یا حتی ناآگاهانه باشد. کوپر نیز در همراهی با این تعریف می گوید که وابستگی متقابل بر پیشرفتهای تکنولوژیکی در زمینه سیستم حمل و نقل و ارتباطات مبتنا دارد که سرعت و اطمینان جابجایی کالا، سرمایه، افراد، اطلاعات و ایده ها را در طول مرزهای ملی افزایش می دهد. وی در همین راستا درجه وابستگی متقابل را نه با ارزش تجاری بلکه با میزان حساسیت اقتصادی می سنجد (Cooper, 1972: 159). به عنوان مثال وی می گوید که اقتصاد آمریکا به صورت فزاینده ای به ژاپن و اروپا وابستگی متقابل دارد، با وجودی که کل صادرات آمریکا به این دو منطقه تنها در حدود سه درصد تولید آن کشور را شامل می شود؛ و اضافه می کند که وابستگی متقابل حاکی از حساسیت دوجانبه است و حساسیت یکجانبه به وابستگی اقتصادی منجر می شود نه وابستگی متقابل (Ibid, 160).

مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل را می توان شامل، وابستگی متقابل، قدرت، حساسیت، آسیب پذیری، هزینه، تقارن و عدم تقارن دانست، در ادامه به توضیح هر یک از مفاهیم خواهیم پرداخت.

وابستگی متقابل

وابستگی متقابل را می توان به عنوان پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت ها در مواردی تعریف کرد که تغییر در موقعیت یک دولت، جایگاه سایرین را در همان جهت تغییر می دهد. آنان همچنین وابستگی متقابل را به عنوان یک نظام تعریف می کنند که متوان به صورت زیر بیان کرد: ((وابستگی متقابل به مفهوم نظامی است که در آن، دولت ها معمولاً در نردبان موقعیت بین المللی (توازن اقتصادی، قدرت، رفاه، دسترسی به اطلاعات و یا تکنولوژی) با هم بالا و پایین می روند)) (Rosecrance, 1977: 425) کوهن و نای در تعریف وابستگی بیان دارند: ((وابستگی به معنای وضعیتی است که نیروهای خارجی، آن را تعیین می کنند یا تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می دهند. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیت هایی اشاره دارد که وجه مشخصه آن ها آثار متقابل میان کشورهای یا میان بازیگران در کشورهای مختلف است)) (Keohane & Nye, 1977: 8).

مفهوم دیگری که در ارتباط مستقیم با وابستگی متقابل قرار دارد قدرت است. کوهن و نای (۱۹۷۷) در تعریف قدرت بیان دارند: ((توانایی یک بازیگر به انجام کاری که طرف مقابل در صورت عدم وجود قدرت آن را انجام نمی دادند و با هزینه ای که از نظر بازیگر قابل قبول باشد)). قدرت در این تعریف یک رابطه علت و معلولی است که ناشی از وابستگی متقابل نامتقارن است (Wagner, 1988: 461).

حساسیت و آسیب پذیری

کوهن و نای برای درک نقش قدرت در وابستگی متقابل بر تمایز میان دو مفهوم حساسیت^۱ و آسیب پذیری^۲ تاکید می ورزند. حساسیت متضمن درجه واکنش در یک چهارچوب سیاست گذاری است، یعنی تغییراتی در یک کشور با چه سرعتی موجب تغییرات در کشور دیگر می شود و آثار پر هزینه آن تا چه حد است. منظور از آسیب پذیری عبارت است از ((قابلیت یک بازیگر در تحمل هزینه های تحمیلی ناشی از وقایع خارجی، حتی پس از تغییر سیاست ها)) و می توان آن را بر مبنای ((هزینه آور بودن ایجاد انطباق با محیط تغییر یافته در طول زمان)) اندازه گیری کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۵۰).

هزینه ها

تبدیل پیوستگی متقابل به عنوان مفهومی عام در روابط بین جوامع به پیوستگی متقابل^۳، از طریق مفهوم هزینه ها^۴ قابل توضیح است. کارل دویچ هزینه را در مقابل منفعت قرار می دهد (Deutsch, 1988: 289-90).

تقارن و عدم تقارن

تقارن^۵ در وابستگی متقابل به معنای شرایطی است که وابستگی دوجانبه به طور مساوی و در حالت توازن قرار می گیرد، مثل رابطه میان کشورهای شمال دیده می شود. عدم تقارن^۶ نیز به معنای شرایطی است که یک طرف کاملاً وابسته به طرف دیگر باشد، که بارزترین آن شرایط وابستگی است که در بسیاری از روابط شمال و جنوب دیده می شود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۵۰).

تعمیم وابستگی متقابل بین ساختار بین المللی و دورنی کشورها

- 1- sensitivity
- 2- vulnerability
- 3- interconnectedness
- 4- costs
 - 1- symmetry
 - 2- asymmetry

افزایش و توسعه ساختار ارتباطی علاوه بر اینکه می‌تواند وابستگی متقابل میان کشورها را توسعه دهد و به نوعی حساسیت و همگرایی میان آنها را بوجود بیاورد، نوعی گذر از ساختار ژئوپلیتیکی را نیز در درون جامعه باعث می‌گردد. توسعه تکنولوژی ارتباطی باعث هم‌افزایی دیدگاه‌ها و کنش میان واحد‌های دولتی و غیر دولتی می‌گردد در عصر جهانی شدن این هم‌افزایی ساختارهای جدید اجتماعی و کنش متقابل را فارغ از ساختار بین‌المللی می‌تواند شکل دهد. نمودهای آن امکان توسعه ارتباطات میان واحد‌های دولتی با جوامع بدون در نظر گرفتن کشور خاص است، به عبارت بهتر، در فرآیند جهانی شدن دولت‌ها نقش تعیین‌کننده در ارتباطات را ندارند، و گردش اطلاعات می‌تواند بر سرمایه اجتماعی و آگاهی اجتماعی تاثیرگذار باشد. از این جهت نیازی به قرار گرفتن در معاهدات یا قوانین بین‌المللی در قالب کنش ارتباطی احساس نمی‌شود و واحدهای سیاسی می‌تواند بدون در نظر گرفتن ساختار حکومتی دست به ارتباط و تبادل نظر بزنند که در حوزه‌های مختلف می‌توان شاهد آن بود. بر این اساس نوعی وابستگی متقابل در حوزه اجتماعی نیز بوجود می‌آید که می‌تواند در قالب ساختارها و طبقات اجتماعی خود را به نمایش بگذارد این نوع وابستگی متقابل اجتماعی بر توسعه در ابعاد گوناگون می‌تواند موثر واقع گردد، امروزه کشورهای می‌تواند توسعه را پیش ببرند که در این دو سطح وابستگی و زمینه‌های توسعه اجتماعی را ناشی از ساختار ارتباطی بخصوص فضای مجازی گسترش داده و بر آگاهی اجتماعی تاثیرگذار باشند) روشن چشم و حاتمی، ۱۳۹۵).

۲- اینترنت و فضای مجازی در ایران

استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت در دنیا افزایش چشم‌گیری داشته است. به صورتی که نه تنها امروزه ارتباط بین افراد بلکه قسمت عمده بروکراسی اداری و فعالیت‌های روزمره افراد تحت تاثیر گسترش فضای اینترنتی و مجازی قرار دارد. از این جهت ابتدا به بررسی رشد اینترنت و فضای مجازی در ایران می‌پردازیم.

اما در خصوص آمار کاربران ایرانی اینترنت به مانند اغلب حوزه‌های مسائل اجتماعی اطلاعات و آمار قابل اتکا و دقیق کمتر در دسترس است، طبق آمار سامانه مدیریت ضریب نفوذ اینترنت کشور تغییرات این ضریب نفوذ در چند سال اخیر در کشور به قرار نمودار زیر است.



نمودار ۱. ضریب نفوذ اینترنت در کشور

طبق نمودار مشخص است که ضریب نفوذ اینترنت در کشور از بیش از 20 درصد در سال 87 به بیش از 61.06 درصد در سال 91 رسیده است و تعداد کاربران اینترنت بر اساس این آمار 45884144 نفر می‌باشد (اکبری تبار و همکاران، 1392).

اما با این حال طبق آماري که در 31 فروردین 1392 از سوی خبرگزاری مهر و به نقل از مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت (متما) یکی از مراکز فعال در زمینه ارائه آمار و اطلاعات و بررسی چگونگی بهره‌گیری از اینترنت و فضای مجازی در ایران، ذکر شده است، مشخص گردیده که 60 درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کنند، 40 درصد کاربران اینترنت در گروه سنی 20 تا 29 سال قرار دارند و اینترنت موبایل بیشترین میزان اتصال به اینترنت در ایران را دارد. این مرکز شمار کاربران اینترنت در ایران را تا پایان 6 ماهه نخست سال 91 بالغ بر 45 میلیون و 5 هزار و 644 نفر اعلام کرده است که به وسیله پارامترهایی چون اینترنت دایل آپ، اینترنت وایمکس و فیبر به شبکه متصل می‌شوند. براساس این آمار ضریب نفوذ اینترنت در کشور 59.5، GPRS اینترنت موبایل، ADSL تشکیل می‌دهند؛ به این ترتیب حدود 27 میلیون و 581 هزار و 799 GPRS درصد است که 36.46 درصد آن را کاربران اینترنت موبایل کاربر با موبایل به اینترنت متصل می‌شوند. در همین حال کاربران اینترنت دایل آپ با 6 میلیون و 934 هزار و 760 کاربر حدود 9.17 نیز بر مبنای این آمار، 3 میلیون و 515 هزار ADSL درصد از کل اتصالات اینترنت را به خود اختصاص داده و شمار مشترکان اینترنت و 980 با ضریب نفوذ 4.65 درصد است. در این رده‌بندی، سهم اینترنت

وایمکس از مجموع اتصالات به اینترنت در ایران 1.15 درصد با 867 هزار و 105 نفر و سهم اتصال از طریق فیبرنوری به اینترنت 8.07 درصد با 6 میلیون و 106 هزار نفر کاربر اعلام شده است (شکل ۴-۱).

شکل ۱. سهم اتصالات به اینترنت

شرح پارامترها	تعداد کاربران	درصد از کل
اتصال دابل آپ	۶ میلیون و ۹۳۴ هزار و ۷۶۰	۹,۱۷ درصد
اتصال ADSL	۳ میلیون و ۵۱۵ هزار و ۹۸۰	۴,۶۵ درصد
اتصال GPRS	۲۷ میلیون و ۵۸۱ هزار و ۷۹۹	۳۶,۴۶ درصد
اتصال WIMAX	۸۶۷ هزار و ۱۰۵	۱,۱۵ درصد
اتصال فیبر	۶ میلیون و ۱۰۶ هزار	۸,۰۷ درصد
جمع کل	۴۵ میلیون و ۵ هزار و ۶۴۴	-
ضریب نفوذ کل	-	۵۹,۵ درصد

همچنین براساس آخرین آمار به دست آمده در مرکز متما، 5 استان تهران، اصفهان، تبریز، یزد و شیراز از حیث ضریب نفوذ اینترنت بیشترین کاربر را به خود اختصاص داد هاند و 40 درصد کاربران اینترنت در ایران را نیز گروه سنی 20 تا 29 سال، 30 درصد را گروه سنی 30 تا 44 سال، 15 درصد کاربران را گروه سنی 45 تا 59 سال، 10 درصد کاربران را گروه سنی 10 تا 19 سال، 3 درصد را گروه سنی 1 تا 10 سال و 2 درصد را گروه سنی بالای 60 درصد تشکیل می دهند (شکل ۴-۲).

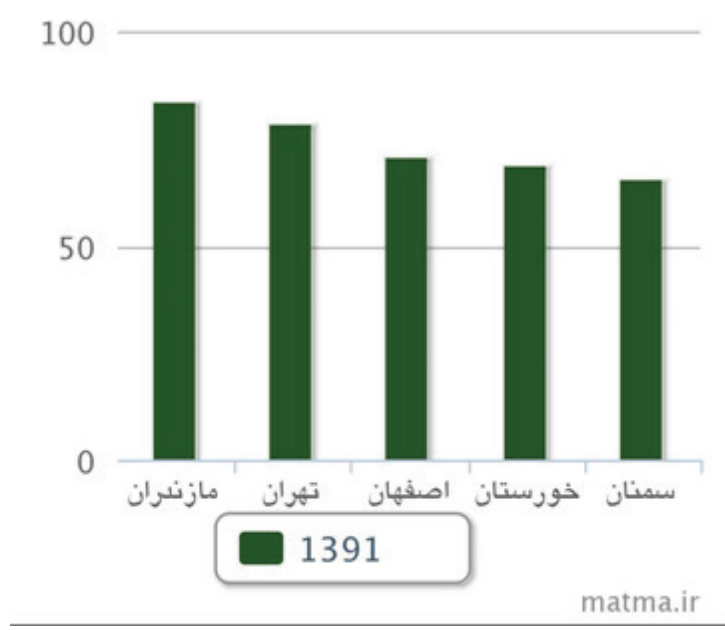
شکل ۲. استفاده از اینترنت به تفکیک گروه سنی

گروه سنی	درصد از کل
۱۰-۰ سال	۳ درصد
۱۹-۱۰ سال	۱۰ درصد
۲۹-۲۰ سال	۴۰ درصد
۳۴-۳۰ سال	۳۰ درصد
۵۹-۴۵ سال	۱۵ درصد
بالای ۶۰ سال	۲ درصد

براساس آمارهایی که پیش از این برای سال 90 اعلام شده بود تا پایان سال 90 شمار کاربران اینترنت 32 میلیون و 696 هزار نفر و ضریب نفوذ اینترنت در ایران 43.23 درصد بود که 18.8 درصد از کاربران با تعداد 14 میلیون و 259 هزار به عنوان بیشترین کاربران اینترنت در ایران تشکیل داده بودند (اکبری تبار و همکاران، ۱۳۹۲). از آمار ارائه

شده نیز مشخص است که 53 درصد GPRS نفر را کاربران از استفاده کنندگان اینترنت در ایران را افراد کمتر از 29 سال تشکیل می‌دهند و با توجه به روند در حال افزایش اتصال به اینترنت با استفاده از تلفن همراه و نیز ضریب نفوذ در حال افزایش تلفن‌های همراه هوشمند در ایران، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت در این رده‌های سنی بسیار افزایش خواهد یافت که تمامی این موارد لزوم انجام مطالعات دقیق و گسترده در خصوص انگیزه‌ها و مشوق‌های نوجوانان و جوانان جهت صرف وقت فرایند در اینترنت را اثبات می‌کند. البته در این میان باید اشاره داشت که با هدایت و جهت‌دهی نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان جوانان و نوجوانان می‌توان از این شور و اشتیاق و صرف وقت فراوان آنها برای این نوع تکنولوژی نو پدید جهت اهداف متعالی بهره‌گرفت به عنوان مثال در ادامه استفاده‌های آموزشی از شبکه اجتماعی مجازی که در تحقیقات مختلف ذکر شده‌اند را بیان کرده‌ایم که امکان بهره‌گیری از این شبکه برای ارتقاء کیفیت و کمیت آموزش به رده‌های سنی مختلف را نشان می‌دهد. در زمینه مقایسه ضریب نفوذ اینترنت در میان استان‌های کشور نیز آمار استخراج شده از مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت (متما) به قرار نمودار زیر است. (نمودار ۲)

نمودار ۲. توزیع استفاده از اینترنت در سال ۱۳۹۱



همانطور که از این نمودار مشخص است استان‌های مازندران، تهران، اصفهان، خوزستان و سمنان به ترتیب بیشترین میزان ضریب نفوذ اینترنت در میان استان‌های کشور را دارا می‌باشند. با این حال با توجه به اینکه در این آمار و اطلاعات استفاده‌های مختلف کاربران گهگاه با یکدیگر تجمیع شده و روش‌های مختلف دسترسی به مانند جیبی آر اس موبایل که به طور عملیاتی سرعت بسیار را دارد با یکدیگر به صورت تجمعی درج می‌گردد که نیازمند جدا کردن هر کدام ADSL اندک و غیرقابل مقایسه با اینترنت پرسرعت از این روش‌های استفاده و نیز نوع و موضوع بهره‌گیری

افراد از اینترنت است (اکبری تبار و همکاران، ۱۳۹۲). بر خلاف آمار و اطلاعات موجود از چگونگی استفاده کاربران از اینترنت و انواع مختلف رسانه‌های اجتماعی و بخصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی، آمار و اطلاعات چندان دقیقی از مشوق‌ها، انگیزه‌ها و نیز نحوه استفاده کاربران ایرانی از این تکنولوژی‌های اجتماعی در دسترس نیست. در ادامه ابتدا آمار مختصر موجود در مورد ایران مرور شده آمار و سپس اطلاعاتی از چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دنیا که به طور جزئی موارد متعدد را مورد بررسی قرار داده است و می‌تواند راهنمای خوبی برای موسسات جمع‌آوری و تجمیع و یا محققان آینده جهت جمع‌آوری آمار نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باشد، ارائه شده است.

از جمله معدود تحقیقات انجام شده توسط موسسات خصوصی در خصوص چگونگی استفاده کاربران ایرانی از اینترنت و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تحقیقی است که موسسه کنونی بر روی نمونه‌ای شامل 750 نفر از ایرانیان انجام داده است و بر اساس نتایج آن 71 درصد از پاسخگویان در خانه به اینترنت متصل می‌شده‌اند، 26 درصد در محل کار و 3 درصد با موبایل می‌باشد.

۳- کنش ارتباطی مجازی در جمهوری اسلامی ایران

آنچه که در شکل‌گیری کنش ارتباطی مهم است علاوه بر «شناخت پیشین» و عناصر جغرافیایی و مردم‌شناختی که از رهگذر زبان صورت می‌گیرد، تحول در سیستم ارتباطی نیز حائز اهمیت است. به عبارت بهتر نوع سیستم ارتباطی بر روی کنش ارتباطی و اجتماعی تاثیرگذار و تولید نشانه‌ها را در یک جامعه زبانی تحت تاثیر قرار می‌دهد و وابستگی متقابل اجتماعی را به بار می‌آورد (هوراکس، ۱۳۸۱). از این جهت بایستی تحول در سیستم ارتباطی نشانه‌های جدیدی را بوجود آورد که این نشانه بواسطه تولید همسان در یک حوزه گسترده نوع جدیدی از نظام نشانه‌ها و به واقع زبان را به نمایش می‌گذارد. در نتیجه این ابزار جدید زبانی کنش ارتباطی را تحت تاثیر قرار داده و «نظم تعاملی» جدیدی را ایجاد می‌کند که در قالب قواعد و «فهم مشترک روشمند» ظاهر می‌گردد. به عبارت بهتر ساختاری جدیدی بنا شده است که درک‌ها و کنش‌ها را در جامعه هدایت می‌کند (Praetorius, 2000: 23-34). لذا، مناسبات جدیدی از روابط قدرت رخ می‌نماید که در ساحت جامعه به جریان در می‌آید. این روابط قدرت در رقابت به الگوهای دیگر مقاومتی به شمار می‌رود و در صورت کسب اعتبار بعنوان الگوی عمل جامعه و راهنمایی درک متقابل عمل می‌کند این مناسبات در سطح بین‌المللی و داخلی شکل گرفته و از یکدیگر متحول می‌گردند...

در نگاه به جامعه ایران در زمان جمهوری اسلامی ایران نوعی گسست در کنش ارتباطی و اجتماعی را شاهد هستیم. شاید به لحاظ تاریخی نتوان، زمان دقیقی را برای این گسست معین ساخت اما تفاوت در کنش ارتباطی در دو تاریخ معین بعنوان مثال در دهه اول انقلاب اسلامی ایران و دهه سوم آن این گسست را به زیبایی نشان می‌دهد. هر چند در سطح سیاست و سیاست‌گذاری همچنان نوعی استمرار وجود دارد اما حالت اجتماعی دچار تحولی قابل توجه گردیده است. با توجه به این مفروض که حالت و فرآیند اجتماعی منطبق بر سیاست‌گذاری‌ها نیست بنابراین می‌توان انتظار داشت که تعیین‌کنندگی این ساختار اجتماعی در آینده به سمت سیاست‌گذاری خواهد رفت.

در نگاه به کنش ارتباطی و اجتماعی در دهه سوم انقلاب اسلامی می‌توان شاهد بود که تحول در ابزار کنش ارتباطی و تغییر آن از رویکرد غالب «رو در رو» به حوزه «مجازی» و «ابزاری» باعث شکل‌گیری نوع خاصی از فهم و درک متقابل شده است که منطبق با روابط خویشاوندی و درون‌گروهی نیست. بدین معنی که سیستم ارتباطی جدید امکان کنش میان ساختارهای گوناگون را فراهم آورده و افراد در فضای ساختگی دست به باز تعریف روابط و مفاهیم می‌زنند. این نوع کنش فاقد ساختار سلسله‌مراتبی و اقتدار آمیز است. به عبارتی بهتر نوعی کنش ارتباطی در «حالت ایده‌آل»^۱ صورت می‌پذیرد. از این جهت در این فضا افراد بدلیل برخورد و کنش با ساختارهای گوناگون مفاهیم گوناگون و نقش‌های متعدد را کسب می‌کنند. بدین گونه که هویت افراد باز تعریف و به سمت کثرت و چندگانگی رهنمون می‌شود. در این فضا ساختار غالب رنگ می‌بازد و از فراروایت موجود در کنش ارتباطی سنتی «مرکزیت زدایی» صورت می‌گیرد و به جای ساختار با ساختارها مواجه هستیم. این حالت نوعی روش پسا ساختارگرایی را به ارمغان می‌آورد که افراد با هویت‌های گوناگون و نقش‌های مختلف کنش و درک متقابل را ایفاء می‌کنند (Molkote, 1991).

بایستی توجه داشت که در جامعه کنونی ایران - دهه سوم انقلاب اسلامی - سیستم ارتباطی جدید این امکان را بوجود آورده است هر چند که می‌توان به این نکته اشاره داشت که جامعه ایران بدلیل برخورداری از بافت سنتی و ساختار سنتی در صورت گسترش سیستم جدید ارتباطی بایستی بر باز تولید ساختار سنتی بیانجامد، اما این نکته حائز اهمیت است که سیستم ارتباطی جدید نوعی «جهانی شدن» را بوجود آورده است که باعث ارتباط نقاط مختلف جهان به یکدیگر گردیده است که امکان کنش جدید و تاثیر پذیری از ساختارهای خارج از جامعه ایران و گزینش آنها را باعث گردیده است از این جهت نوعی وابستگی در سطح بین‌المللی و داخلی صورت پذیرفته است. بر این مبنا نوعی کثرت ساختاری را می‌توان در کنش ارتباطی و پذیرش نقش‌های گوناگون که نوعی پساساختارگرایی را به نمایش می‌گذارد را می‌توان شاهد بود و بحران معنای را در ابعاد گوناگون اجتماعی و

1- Ideal Speech

سیاسی به‌مراه آورده است (قوام، ۱۳۹۰: ۱۶-۲۲). به عبارت دیگر در بررسی جامعه کنونی ایران به دلیل تولید نشانه های زیاد و حجم عظیم اطلاعات افراد در ارتباط با ساختارهای متنوع فهم جدیدی را کسب می کنند و نقش های متعددی را پذیرا هستند که می توان نمونه های آن را در قالب جنسیت ها، گروه های و جریان های مجازی، سیستم مد و لباس و همچنین گسست از نظام های سنتی و فروپاشی نظام سلسله مراتبی و خویشاوندی را شاهد بود. گسترش الگو های و نمادهای متعدد و ساختار شکن، گسترش موسیقی رپ و گروه های موردی که در جامعه کنونی ایران مشهود است حاکی از این تنوع ساختاری و نقش های تثبیت نشده است.

از این جهت می توان انتظار داشت که بدلیل تعدد در الگوها و درک متقابل افراد کثرت معانی ظهور کرده و توافق بر سر مفاهیم با مشکل روبرو است بلکه همین کثرت معنای و الگوها خود بعنوان امری اخلاقی و مطلوب سر بر می آورد. هر چند که در سطح پالیسی و سیاستگذاری همچنان کنش سنتی و فهم سنتی از توسعه مورد توجه است اما روح جامعه و حالت آن به سمت کثرت معانی و تفاوت ها تاکید دارد. از این جهت می توان انتظار داشت که مفهوم توسعه در ساحت جامعه بر تفاوت ها، کثرت ها و زیست این چندگانگی تاکید دارد و این ارتباط با وابستگی در جامعه و حساسیت ها صورت پذیرفته در کنار تحول مفهوم قدرت از سخت به نرم امکان پذیر شده است. به عبارت بهتر جامعه به نوعی مجازی بودن و چندگانگی ساختارها حرکت کرده است که این خود از درون کنش ارتباطی و اجتماعی و فهم متقابل ناشی از نشانه ها است که به صورت قدرت و اجبار در سطح جامعه ظاهر می شود. قدرتی که هر کدام از درون ساختارهای جدید سر برآورده و در یک رابطه قدرت و مقاومت نقش ایفاء می کنند اما آنچه که مهم است این که قدرت غالبی وجود ندارد بلکه رابطه ای میان قدرت و مقاومت و از نوع نرم در ایفاء داخلی و بین المللی نقش ایفاء می کند.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این است که کنش ارتباطی نوین باعث گردیده که افراد در درون جامعه به راحتی با یکدیگر در ارتباط باشند. این نوع ارتباط بین افراد منجر به اظهار نظر در خصوص پدیده های مختلف اجتماعی می گردد. به عبارت دیگر میزان مشارکت افراد افزایش یافته و بستری از گفتگو میان افراد فراهم می گردد که به نوعی افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت در درون جامعه است. یعنی هیچ گونه اعمال فشار برای اجبار وجود ندارد. در این راستا نوعی خودآگاهی اجتماعی بوجود می آید. خود آگاهی که بر محوریت جامعه تاکید دارد و جامعه براساس آگاهی و بر مبنای خود عمل می کند. می توان اینگونه در نظر گرفت که خود آگاهی اجتماعی و فضای مجازی تحولی در توسعه سیاسی ایجاد کرده است و این تحول همانطور که قبلا دیدیم بر اساس دولت محوری بود را کنار نهاده و بر جامعه تاکید دارد. توسعه در این ساحت بر مفاهیم ارزشی انسانی، توسعه انسانی و آگاهی آن تاکید دارد. بنابراین می توان اینگونه برداشت کرد که حوزه اجتماعی و عمومی که در قالب تعامل صورت می گیرد هسته اصلی توسعه را به جریان می اندازد. و نبود این سیستم ارتباطی باعث گردیده تا دولت به عنوان هسته

اصلی و جریان غالب توسعه سیاسی در ایران ظاهر گردد. از این جهت توسعه سیستم ارتباطی و فضای مجازی شرایط اجتماعی جدیدی را بوجود آورده است. این شرایط جدید بر اعمال حاکمیت مردمی و نقش جامعه افزوده است. قبل از پرداختن به این موضوع ابتدا نگاهی به وضعیت اینترنت و فضای مجازی در ایران می‌اندازیم. همانگونه که در فصل چهارم به آن پرداخته شد شاهد رشد گسترده سیستم ارتباطی و اینترنتی در ایران هستیم به طوری که نزدیک به ۸۰ درصد جامعه از اینترنت امروزه بهره می‌گیرند و بیش از ۴۵ درصد جامعه در فضای مجازی حضور فعال دارند که البته باید ذکر کرد که امروزه این ارقام بیش از این هستند. بنابر این وضعیت جدید اجتماعی صورت پذیرفته است که امکان افزایش مشارکت و حضور فعال افراد در بستر کنش را افزایش داده است. البته بایستی توجه کرد که این نوع هم به لحاظ کیفی (مجازی) و هم کمی دچار تحول شده ولی در نهایت شرایط جدید اجتماعی را رقم زده است. بنابراین می‌توان درک کرد که توسعه سیاسی نیز بواسطه این تحول دچار دگرگونی شده است (مولایی، ۱۳۸۹).

گسترش فضای مجازی در ایران و استفاده آن توسط جامعه ایران با ضریب نفوذ بالا باعث گردیده است تا تحولات اجتماعی و بالطبع سیاسی در ایران با سرعت بالای صورت پذیرد. یکی از تاثیرات فضای مجازی تاثیرات آن بر روی سرمایه اجتماعی است. به گونه‌ای که فرایند جامعه پذیری و ارزش های اجتماعی در اثر این تحولات ارتباطی دچار تغییر شده و سرمایه اجتماعی جدیدی را به ارمغان آورده است.

توسعه تکنولوژی و سیستم ارتباطی باعث شکل گیری سرمایه اجتماعی و هویت جدید در جامعه گردیده است و میزان مشارکت را افزایش داده است که این خود به نوبه ای حاکی از اهمیت اجتماعی و نقش برجسته اجتماع در برابر جامعه است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در یک ارتباط میان فضای مجازی، سرمایه اجتماعی نوعی توسعه سیاسی شکل گرفته است که ابتدا با محوریت جامعه است و میزان مشارکت آن به حداکثر رسیده است.

لذا تاثیری که فضای مجازی بر توسعه در ایران دارد ابتدا اینکه میزان مشارکت عمومی به دلیل ایجاد بستر کنش ارتباطی و ایجاد وضعیت ایده ال گفتگو افزایش یافته و دوم اینکه توسعه محوریت اجتماعی به خود گرفته است و نقش سیاستگذاری دولتی در آن کاهش یافته است به عبارتی جامعه و توسعه سیاسی و اجتماعی بر مبنای گشتاور جامعه قرار گرفته است که این خود نقش مشارکت و خواست منافع اجتماعی را به نمایش می‌گذارد.

در نهایت می‌توان این نتیجه گیری را کرد که وضعیت اجتماعی ایران وضعیتی است که در آن کنش ارتباطی افزایش یافته و نقش دولت در سیاستگذاری اجتماعی در حال کمرنگ شدن است و این عامل باعث نوعی خودآگاهی اجتماعی و سرمایه اجتماعی گردیده است که محوریت را در اختیار جامعه قرار می‌دهد. و این محوریت هر چه بیشتر به سوی توسعه اجتماعی و پراکنده کردن سیاست در لایه های گوناگون اجتماعی می‌گردد.

۴- دیدگاه سازمان ملل متحد نسبت به توسعه ارتباطات

با توجه به توسعه سیستم های ارتباطی در دنیا و گسترش فرآیند جهانی شدن نوعی از دیدگاه از بین رفتن مرزهای فیزیکی در دنیا مطرح شده و تاکید بر جامعه مجازی وجود دارد. با توجه به اینکه تکنولوژی ارتباطی در سه سطح سیاسی، اقتصادی و مجازی وابستگی های متقابل متعدد را در بین کشورها و ملل ایجاد کرده است و گستردگی مهاجرت باعث شده تا دیدگاه های بدون مرز از سوی مقامات و دبیر کل سازمان ملل متحد مورد توجه قرار بگیرد. به گونه ای که این وابستگی متقابل با توجه به نیاز کشورهای مختلف و لزوم ایجاد همکاری برای حل مسائل بین المللی بخصوص در حوزه توسعه انسانی باعث گردیده است تا همگرایی های منطقه ای و بین المللی به شدت گسترش بیابد (سایت سازمان ملل متحد).

از این رو، بررسی این موضوع یکی از دیدگاه های اصلی در حوزه بین المللی است که در نهایت منجر خواهد شد این وابستگی از حوزه دولت ها خارج شده و بر اساس نوعی ارتباط بین جامعه ها برقرار می شود.

۵- مزایا و معایب توسعه فضای مجازی در ایران

مزایای گسترش فضای مجازی را می توان در موارد ذیل ساماندهی کرد:

۱- **دسترسی آزاد به اطلاعات:** گسترش فضای مجازی باعث گسترش اطلاعات در جامعه و امکان دسترسی افراد به آن می گردد. گسترش اخبار و ابزارهای دسترسی به آن باعث آگاهی افراد و تاثیرگذاری آنان بر جریان گردش اطلاعات می گردد.

۲- **تعاملی بودن ارتباطات:** امکان تعامل کنشگران و تبادل دیدگاه های متفاوت و متضاد در بستر فضای مجازی امکان پذیر است. بسیاری از انتقاداتی که به رسانه های ارتباط جمعی سنتی در ارتباط با حوزه عمومی مطرح شده است ناظر به ارسال یک طرفه اطلاعات و یا آن چیزی است که از آن تحت عنوان کسری ارتباطی نام برده می شود.

۳- **ناشناس بودن کاربران:** از جمله ویژگی های مهم ارتباطات در دنیای مجازی که مباحث فراوانی را برانگیخته است، ناشناس بودن و گمنام بودن هویت کنشگران است. در دنیای مجازی به دلیل امکان برقراری ارتباط بدون رویارویی چهره به چهره، افراد و کنشگران می توانند با هویت های متفاوت و متعددی ظاهر شوند و در هر لحظه هویت جدیدی را از خود بروز دهند.

- ۴- **همبستگی اجتماعی:** مشارکت در دنیای مجازی نه تنها مشارکت و فعالیت شود که گسترش فضای اجتماعی افراد را کاهش نمی‌دهد بلکه بر آن تاثیر مثبت نیز دارد و می‌تواند باعث نزدیکی و گسترش هر چه بیشتر فهم متقابل و هویت های ملی در جامعه گردد.
- ۵- **افزایش کارایی دولت در ابعاد مختلف:** از جمله تاثیرات گسترش فضای مجازی بهره گیری دولت از عملکرد بروکراسی و ایجاد سامانه های اطلاع رسانی یا انجام امورات دولتی در قالب خدمات و ساماندهی است.
- ۶- **کاهش هزینه های اقتصادی:** استفاده از امکانات موجود در فضای مجازی، که در بسیاری از روابط اقتصادی و اجتماعی دیگر نیازی به مراجعه‌ی حضوری برای خرید کالا یا خدمات نیست و طبیعی است که این امر باعث کاهش قابل توجهی از هزینه‌های اقتصادی می‌شود. کاهش رفت و آمدهای غیر ضروری درون شهری و در نتیجه کاهش مصرف انرژی و کاهش آلودگی هوا. همچنین کاهش مصرف کاغذ و هزینه‌های چاپ و نشر و سایر هزینه‌ها با استفاده از امکانات موجود در فضای مجازی بوجود می‌آید.
- ۷- **عدالت رسانه‌ای:** در گذشته فقط افراد خاصی آنهم در شهرهای بزرگ می‌توانستند به مطبوعات و نشریات دسترسی داشته و از اخبار روز و رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره مطلع شوند و حال آنکه با وجود فضای مجازی و فناوری‌های گوناگون اطلاعاتی و ارتباطاتی، تمام افراد حتی در دورترین نقاط نیز می‌توانند به شکل برابر، از این اطلاعات مطلع و از آن بهره برداری کنند.
- ۸- **جهانی و فرامرزی بودن فضای مجازی:** از ویژگی‌های منحصر به فردی که فضای سایبر را از دیگر رسانه‌ها ممتاز می‌سازد، جهانی بودن آن است. هر فردی در هر نقطه از جهان می‌تواند از طریق آن به آسانی، به جدیدترین اطلاعات دست یابد. مرزهای جغرافیایی تاکنون نتوانسته از گسترش روزافزون فضای سایبر جلوگیری کند. از این رو، هر نوع مرزبندی در برابر آن بسیار دشوار می‌نماید (عدلی پور، ۱۳۹۱: ۴۵).
- معایب توسعه فضای مجازی به صورت ذیل دسته بندی شده است:
- ۱- **شکاف دیجیتال:** بسیاری از انتقادات و بدبینی‌های مطرح شده در این خصوص فضای مجازی از نابرابری در دسترسی و امکان استفاده افراد از این فناوری به دلایل مالی، فنی و مهارتی ناشی می‌شود. به عبارتی شاهد نوعی شکاف دیجیتال هستیم.

- ۲- **قطبی شدن و چندپارگی:** افراد به دلیل آزادی بیش از حد در انتخاب و دسترسی به مطالب و اطلاعات، تنها به مشاهده مطالبی می‌پردازند که موافق دیدگاه آنهاست و از مطالعه سایت‌ها و وبلاگ‌های حاوی دیدگاه‌های مخالف پرهیز می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که به تدریج افراد بر روی دیدگاه‌های خود اصرار ورزیده و از پذیرش و یا مباحثه با دیدگاه‌های دیگر اجتناب ورزند و در نتیجه اجماع و یا توافق با اختلال روبه‌رو گردد که به آن چندپارگی یا قطبی شدن می‌گویند.
- ۳- **انزوای اجتماعی:** شکاف دیجیتال، قطبی شدن فضای مجازی، ناشناس بودن و چهره به چهره نبودن روابط موجود در فضای مجازی، باعث پیدایش دیدگاه‌هایی درخصوص تاثیر منفی ارتباطات مجازی بر همبستگیها و هویت‌های گروهی در دنیای واقعی شده است. براین اساس، اینترنت صرف نظر از این که چه محتوایی داشته باشد یکی از علل انزوای اجتماعی و پوک شدن دموکراسی شمرده می‌شود.
- ۴- **به خطر افتادن حریم شخصی:** گردانندگان شبکه‌های اجتماعی با تجاوز به حریم خصوصی کاربران تجاوز کرده و اطلاعات شخصی افراد را در اختیار مراکز اطلاعاتی و امنیتی، شرکت‌های تجاری و سایر مراکز متقاضی قرار می‌دهند. در هنگام نصب برنامه شبکه‌های اجتماعی، کاربر به سایت مربوطه اجازه می‌دهند تا اطلاعات شخصی او را با منابع خارجی به اشتراک بگذارد؛ بدون اینکه تنظیماتی برای غیر فعال کردن این موضوع وجود داشته باشد.
- ۵- **شکاف نسلها:** استفاده از اینترنت شکاف میان نسل‌ها را بیشتر کرده و با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، شاهد هستیم که اعضای خانواده ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. امروزه نشست‌های خانوادگی که در آن والدین و فرزندان درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری با هم گفتگو کنند، رو به کاهش است. روابط موجود میان والدین و فرزندان رو به سردی گرائیده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی، زندگی را از دیدگاه خود تفسیر می‌کنند (اکبری تبار، ۱۳۹۲: ۲۱).
- ۶- **تضعیف فرهنگ‌های کم‌حضور:** از ویژگی‌های فضای سایبر این است که به شدت تحت تأثیر هر نوع عرضه‌ی گسترده‌ای قرار می‌گیرد. گرچه این فضا، گذرگاه فرهنگ‌های متنوع و گوناگونی است که هر یک در صدد عرضه‌ی خویش هستند، اما تنها فرهنگی پیشتاز خواهد بود که حضور پررنگ‌تر و گسترده‌تری داشته باشد و بدین سبب است که در آن فرهنگ غالب، فرهنگی جز فرهنگ قدرتمند، اما منحط غرب نیست؛ چرا که با به‌کارگیری صحیح از امکانات وسیع و تلاشی وافر، به عرضه‌ی گسترده‌ی خود پرداخته و یکه‌تاز این عرصه گردیده است. چنانکه حکومت زبان انگلیسی موجب شده است که کاربران با حضور در

فضای سایبر، ضمن این که با زبان انگلیسی حاکم بر آن درگیر هستند، از زبان ملی خود دور شوند؛ به عنوان مثال، در چت‌های اینترنتی فارسی‌زبانان بیشتر از الفبای انگلیسی به جای الفبای فارسی استفاده می‌شود که البته یکی از دلایل آن کمبود نرم‌افزارهای قدرتمند فارسی است. گسترش این کاربرد خود موجب تضعیف الفبا و زبان فارسی خواهد شد؛ به ویژه با توجه به این که علم و فناوری که از ضروریات زندگی است، در این فضا به صورت زبان انگلیسی نمود یافته است. تمامی نشریات، متون و منابع دست اول -حتی در کشورهای غیر انگلیسی- به این زبان می‌باشد. از این رو، دانستن زبان انگلیسی از لوازم حضور فعال در فضای سایبر شده است. آموزش، پژوهش و ارتباطات نمی‌تواند به حرکت پیشرونده خود ادامه داده و نیازهای جامعه را پاسخ دهد، مگر این که زبان انگلیسی را به کار گیرد و این خود به صورت طبیعی موجب سیطره‌ی فرهنگ غرب بر عرصه‌های گوناگون جوامع به ویژه جوامع اسلامی می‌گردد. بدین وسیله، ارزش‌ها، روش‌ها و هویت‌های مطلوب فرهنگ غربی بر جوامع تزریق شده، فرآیند دگرگونی عناصر فرهنگی سرعت خواهد گرفت.

۷- **تضعیف اعتقادات و گسترش شبهات فکری:** گرچه دستیابی آسان به انواع اطلاعات از مزایای فضای سایبری است، اما معایبی نیز دارد. از جمله این که طرح و نشر انواع شبهات در آن، موجب تزلزل در باورهای کاربران سست عقیده و کم‌اطلاع می‌گردد. فضای سایبر چاقویی دو لبه است که ما می‌توانیم از آن به سود یا ضرر خود مدد بگیریم.

۸- **رواج سطحی‌نگری فکری:** آزادی بیان و طرح اندیشه‌های متضاد در فضای سایبر، از اهداف اولیه‌ی ایجاد چنین فضایی است؛ اما چنانچه اندیشه‌ای بدون هیچ بنیان و اساس معتبری در این فضا مطرح شود، ثمره‌ی آن انباشته شدن اندیشه‌های بسیاری است که توان بررسی و نقد و تحلیل همه‌ی آن‌ها از عهده‌ی مخاطبان خارج است و بدین سبب، کاربران بدون بررسی و تحقیق در مبانی و زوایای پنهان اندیشه‌های نو ظهور، به سبب کثرت و رواج بی‌حد و حصر آن در فضای سایبر، از آن متأثر می‌شوند. نتیجتاً روحیه‌ی حق‌پذیری کاربران به ویژه جوانان، به سطحی‌نگری و مسامحه‌کاری در پذیرش اندیشه‌های نو ظهور مبدل خواهد شد. از این رو، ضروری است که پیش از هر چیز، کاربری صحیح و طبقه‌بندی شده‌ی این فضا را به کاربران بیاموزیم (سایت تبیان).

۹- **گسترش اباحه‌گری عملی:** حفظ حرمت قوانین اجتماعی و رعایت آموزه‌های اخلاقی، از ریشه‌ای‌ترین اصول هر فرهنگی است. بدیهی است با گسترش اباحه‌گری در فضای سایبر، نهایتاً این روند در میزان

خودداری افراد جامعه از ارتکاب اعمال غیر اخلاقی و ناهنجار در فضای جامعه نیز تأثیر خواهد گذاشت. منشأ برخی از اعمال خلاف اخلاق در سطح جامعه، مباح شدن آن در فضای سایبر است.

۱۰- **افسردگی و انزوا:** کاربران، بیشتر ترجیح می‌دهند در محیطی آرام و خلوت، از فضای مجازی استفاده کنند تا هم بهتر بتوانند از اطلاعات آن بهره ببرند و هم با تمرکز و سرعت بیشتر، از اتصالات طولانی مدت جلوگیری کرده، هزینه‌های حاصل از آن را کاهش دهند. اما این نوع خلوت و انزوا در طولانی مدت، برخی مشکلات روانی مانند گوشه‌گیری و در نهایت افسردگی را در پی دارد. کیسلر و همکارانش معتقدند: «بسیاری از روان‌شناسان این نگرانی را داشته‌اند که آسانی ارتباط‌های اینترنتی، چه بسا افراد را وادار می‌دارد تا زمان بیشتری را به تنهایی بگذرانند؛ به صورت آن‌لاین با غریبه‌ها صحبت کنند و ارتباط سطحی برقرار سازند و این کارها را به قیمت از دست دادن گفتگوهای رو در رو و ارتباط‌های فامیلی و دوستانه انجام دهند. بنا بر برخی پژوهش‌های پیمایشی، ارتباط‌های اجتماعی از طریق اینترنت، ضعیف‌تر از ارتباط‌های واقعی است و در دراز مدت، به انزوای اجتماعی فرد می‌انجامد (همان).

نتیجه‌گیری

آنچه که در توسعه فضای مجازی می‌توان در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار داد، بحث در ابعاد ایجاد وابستگی متقابل در حوزه بین‌المللی و داخلی است. به عبارت بهتر، آنچه که در حوزه ارتباطات رخ داده نوعی هم‌افزایی ارتباطی است که منجر به خروج و کنترل گردش اطلاعات از اختیار دولت‌ها شده و در ضمن خود دولت‌ها در یک رابطه متقابل وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به یکدیگر پیدا کرده‌اند. از این جهت، با توجه به رشد و توسعه فضای مجازی در ایران که رشد قابل ملاحظه‌ای را در ابعاد گوناگون نشان می‌دهد می‌توان شاهد رشد این وابستگی در حوزه اجتماعی بوده و گروه‌ها و افراد در نوعی از خودآگاهی و سرمایه اجتماعی جدید به سر ببرند، آنچه که در این زمینه حایز اهمیت است نوع برخورد و رفتار دولت در قالب سیاستگذاری اجتماعی با عنایت به وابستگی اجتماعی و بین‌المللی است.

از این رو، نوعی قدرت نرم در جریان است که از مسائل سخت و نظامی میان دولت‌ها خارج شده و در ابعاد نرم خود حتی به رقابت می‌انجامد، این وابستگی مقابل هزینه‌ها و حساسیت‌های خاص خود را نسبت مسائل پیرامون اجتماعی و بین‌المللی دارد که با رویکرد خاص ایران در این حوزه برخورد می‌شود.

یکی از مهمترین رویکردهای سیاسی ایران در این قبال بهره‌گیری از مسائل و قدرت نرم پیشرونده در جهت توسعه و بهره‌برداری می‌باشد و از طرف دیگر به دنبال کاهش تهدیدات آن نسبت به ارزش‌های اساسی

بخصوص در حوزه فردی و اجتماعی است. از این رو نوعی سیاست دوطرفه در راستایی بهره‌گیری از این عرصه وجود دارد.

از جمله رویکردهای داخلی نسبت به توسعه قدرت نرم و وابستگی متقابل، در این خصوص مربوط به شکل دادن مرز فضای مجازی است. ایجاد سیستم و فضای مجازی داخلی با توجه به اینترنت ملی می‌تواند علاوه بر کنترل گردش اطلاعات مرزهای هویتی و ملی را بیش از پیش تقویت کرده و همبستگی ملی را به ارمغان بیاورد که یکی از نمودهای اصلی در قدرت نرم محسوب می‌شود. جلوگیری از تهدیدات فضای مجازی، حفظ حریم خصوصی و استفاده بهینه از آن به منظور رفع نیازهای اجتماعی و بروکراسی دولتی از جمله رویکردهای داخلی است که در این خصوص می‌توان بر آن توجه کرد. از این رو، نیازمند سیاست‌های داخلی و دولتی هستیم که بتواند از تهدیدات دوری جسته و از مزایایی فضای مجازی برای بهبود عملکرد اجتماعی و سیاسی بهره‌برداری گردد. در یک جمع‌بندی موارد ذیل ارائه می‌گردد که در راستایی تقویت قدرت نرم ایران است:

- کنترل بر حجم تبادلات اطلاعات؛ - حضور مستمر مراکز مختلف فرهنگی در فضا مجازی
- ایجاد مراکز کنترل دولتی؛ - توسعه زیرساخت ارتباطی؛
- مبارزه با جرایم فضای مجازی؛ - ایجاد همگرایی قومی و مذهبی؛
- تقویت اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی؛ - تقویت آموزش‌های اخلاقی؛
- توسعه آگاهی اجتماعی بواسطه سازمان صدا و سیما؛
- آموزش شیوه استفاده از فضای مجازی

- اکبری تبار، علی اکبر؛ اسکندری پور، ابراهیم (۱۳۹۲) رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، تهران: موسسه فرهنگی هنری تقارب و تبادل فرهنگی.
- هوراکس، کریستوفر (۱۳۸۱) پست مدرنیسم و مجازی شدن در نگاه مارشال مک لوهان، ترجمه سروناز تربتی و نادر صادقی لواسانی نیا، تهران: سازمان انتشارات.
- عدلی پور، صمد (۱۳۹۱). "تحلیل جامعه شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان"، رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). "سیاست‌های مقایسه‌ای"، تهران انتشارات سمت.
- قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۸). "امنیت فصل مشترک سیاست‌های هویتی (نخبگان) و روندهای هویتی اجتماعی"، پژوهش‌نامه هویت اجتماعی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، جهانی شدن و جهان سوم (روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین المللی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مولایی، محمدمهدی (۱۳۸۹). "شبکه‌های اجتماعی مجازی". پایگاه اینترنتی جنگ نرم <http://www.psyop.ir/?p=1723>. تاریخ مراجعه پانزدهم آبان ۱۳۹۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰) تحول در نظریه‌های روابط بین المللی، چاپ ششم، تهران، نشر سمت.
- Kegley, C. & Wittkopf, R (1989) World Politics: Trend and Transformation. New York: Free Press.
- Rosecrance, R (1977) Whither Interdependence? International organization 31, 2.
- Melkote, Srinivas R (1991) Communication for Development in the Third world, Sage Publication.
- Wanger, R. H (1988) Economic Interdependence, Bargaining Power and Political Influence. International organization 42.3 .
- Praetorius, N (2000) PRINCIPLES OF COGNITION LANGUAGE AND ACTION (Essays on the Foundation of a science of Psychology), University of Copenhagen, Denmark, Kluwer Academic Publishers.
- Deutsch, K.W.(1988, 1992) The Analysis of International Relations. Englewood Cliffs, Nj: Prentic Hall.
- Robert O. Keohane and Joseph S. Nye Jr, Power (1987) and Interdependence revisited, international Organisation, 41(4)

- Richard N. Cooper(1972), Economic Interdependence and Foreign policy in the Seventies, World politics, vol. 24, July
- Joseph S. Nye, Jr.; Robert O. Keohane (1971), Transnational Relation and World politics: An Introduction. International organization, Vol. 15, No. 3, Transnational Relation and World Politics